

فرعون یگانه پرست

بقلم : جناب آقای علی اصغر حکمت

استاد تاریخ ادیان در دانشکده ادبیات

در تاریخ ادیان بشری، داستان معتقدات مصریان قدیم (از سه هزار سال قبل از میلاد تا چهار صد سال بعد از میلاد) سرگذشتی فتان و حکایتی دل‌آویز است. همانا دورنمایی از تحول و تکامل فکر انسانی را از طلوع فجر مدنیت تا استقرار کامل تمدن، بمعنای کنونی، نشان میدهد، و در حقیقت کتابی است که از افسانه‌ها و اساطیر همجی و بدوی آغاز میشود و عاقبت بدیانت مسیح می‌پیوندد.

در طی این کتاب حکمت آمیز حقایق عالییه و معانی دقیقه و نیز عقاید خرافی و اندیشه‌های جاهلانه بسیار است. در خلال صفحات همین کتاب دانش آموز، ناگهان بر فی‌چشم خواننده‌را خیره میکند: آن حکایت فرعون‌ی است که برای نخستین بار در تاریخ تمدن انسانی مبدع توحید *Monothéisme* را در جهان اعلام کرده است.

دیانت مصریان باستانی يك نوع اعتقاد به آلهه متعدده و شرک، *Polythéisme*، بوده است که مردم وادی نیل در طول مدت سه هزار و پانصد سال خدایانی بی‌شمار با انواع مختلف و صور گوناگون می‌پرستیده‌اند.

از اعتقاد به (قتیش) یعنی (جسم مقدس) تا ایمان به بت‌ها و اصنام و سپس عبادت ستارگان و مظاهر طبیعت و عبادت رود نیل و ایمان به حیوانات و نباتات و موجودات وهمی و خیالی که بالاخره منجر به پرستش انسان (فرعون پرستی) میشود، همه يك سلسله‌مبادی و عقاید دینی آن مردم باستانی است. در آغاز هر شهری و هر قصبه‌ای خدائی برای خود داشته و بعد از انبساط تمدن و ارتباط مردم نواحی مختلف و ایجاد حکومت امپراطوری فراغنه این عقیده و ایمان بنخدایان متعدد کوچک در قصبیات بطول مرور ایام با هم آمیخته و يك

(میتولوژی) و مذهب خاصی در سراسر کشور مصر بوجود آورده است که شرح آنرا، در کتیبه‌های باستانی آنسرزمین و بر روی سنگهای معابد و خرابه‌ها و بر اوراق پاپیروس در موزه‌های بزرگ جهان که همه بخط هیروگلیفی نوشته شده و بعضی مارسیده است، میتوان خواند. مصریان در شهرهای بزرگ خود مثل ممفیس و هلیوپولی و تب، برای این خدایان معابد بسیار ساخته و صور و تماثیل فراوان پرداخته بودند. پرستش حیوانات و جانوران و عبادت کواکب و ایمان بد(عامون- رع) و اعتقاد به اوزیریس (خدای اموات) و ایسیسی زن او، و هروس فرزندش، رواجی بسیار داشته است.

در هنگام کمال این تعدد آلهه و شرک مطلق، ناگهان در مائه چهاردهم قبل از مسیح (ق. م ۱۳۵۸ - ۱۳۷۵) و در ایام سلطنت سلاله هیجدهم، هنگامیکه امپراطوری فراغنه با وج اعتلای خود رسیده بود، فرعونى بر تخت سلطنت مصر نشست بنام عامون فیس چهارم. این سلطان جوان که مدت هفده سال سلطنت کرده، اولین مبلغ توحید و نخستین مبشر ایمان بخدای واحد است. او مذهبی بوجود آورد که در تاریخ ادیان بنام اتونیزم Atonism معروف میباشد. تأسیس این دیانت برای اولین بار در تاریخ تمدن بشری انقلابی عظیم بشمار می آید که در تحول افکار مذهبی و عقاید روحانی بشر بوجود آمده، وی مصریان را، که افزون از دو هزار سال بیک سلسله خدایان بی شمار از ذکور و اناث انس گرفته بودند، دعوت کرد که همه آنها را بگوشه فراموشی انداخته و یک خدای واحد متعال که مظهر او قرص آفتاب (Aton) است پیوستند. این سلطان معابد کهن را موقوف و متروک کرد و معابد جدیدی بنام (اتون) بنا فرمود.

پایتخت خود را از شهر تب (Thèbés) که مرکز پرستش عامون بود بمحل دیگری بنام (اختاتون، یعنی افق آفتاب) منتقل ساخت. خرابه‌های این شهر هنوز در محلی که اکنون بنام (تل العمارنه) موسوم است دیده میشود.

در این معبد جدید بفرمان «فرعون یگانه پرست» مناجات‌ها و تریلات خاصی خطاب بقرص خورشید می‌سرودند و بر دیوارهای معابد و الواح قبور همانرا کتیبه می‌کردند و همه کس در هنگام طلوع و غروب آفتاب آنها را می‌خوانده‌اند. بعضی از این سرودها که سبک و وزن شعری دارد و درست بعضی مارسیده الحقی مشتمل بر معانی عالی و نکات

دقیقه در فحواى توحید و بکتا پرستی است .

دریغاً که دماغ بشر آنزمان هنوز مستعد قبول این دین جدید نبود و مانند کلی پیش‌رس آفات زمان آنرا پشمرده و نابود کرد، یعنی بعد از مرگ آن فرعون و در زمان جانشین او «توت عنخ عامون» کاهنان قدیم معابد از نو قیام کردند و دوباره به مذهب عامون و اوزیر بس باز گشتند.

عامون- رع که خدای مردم تب بود - او را بهیكل بدن انسان با سرفوچی تریه منظر می ساختند- مجدداً محل پرستش قرار گرفت و اتونیزم بر افتاد ، و بازار خرافات هزار سال دیگر در مصر رونق یافت . عامون فیس که اسم خود را تغییر داده و بر خویشتن لقب «اختاتون» یعنی (فر آفتاب) نهاده بود مطرود و ملعون گردید . نام او و معبود یگانه اش - اتون - را از روی ستونها و دیوارها محو کردند و اولین قدمی که بشر در راه توحید، یعنی ایمان به خدای واحد، برداشته بود موقتاً بحرمان و ناکامی منتهی گردید . این داستان شیرین و جالب که مشتمل بر معانی عالیّه عمیقّه و نکات و لطائف دقیقّه است، خاصه آن سرودها و مناجاتها که از آن عصر در خطاب به (اتون) بدست ما رسیده، خاطر این بنده نویسنده را چندان بخود مشغول ساخت تا بجائی که آنرا به نظم در آورده و بصورت اشعاری شکسته و بسته پرداخته ام و اینک تقدیم مجله دانشکده ادبیات می سازم .